

بررسی عناصر سه گانه فکری، شکلی و ساختاری در دعای عصر غیبت*

سید ابوالقاسم حسینی زیدی^۱

حمید عباسزاده^۲

احمد محمدیان^۳

چکیده

ادعیه و زیارات مهدوی در همان حال که مناجات با خدا و عرض ارادت و اخلاص به محضر ولیّ زمان و حجت دوران است، سندی محکم برای شناخت بیشتر و عمیق تر از شخصیت امام عصر علیه السلام و مسائل مربوط به آن بزرگوار - نظیر غیبت، انتظار و ظهور - است. در پژوهش حاضر به سبک مسئله محور، با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی، بعد از اشاره به کلیات، بیان شده است که: در عنصر شکلی مباحث محاوره، عاطفه، تصویر و موسیقی در دعا مورد بحث واقع شده است که در عنصر عاطفه پنج مرحله تحریک عاطفه، آمادگی، هویت، هیجان و ارزیابی بیان می‌گردد؛ در عنصر ساختاری هم دو محور عمودی و افقی مورد بحث قرار گرفته است؛ اندیشه اصلی در عنصر فکری، ناظر به معرفت و شناخت ولیّ الله در جامعه است و مهم‌ترین مسئله آشنایی با محور هدایت و سعادت انسان است که عدم شناخت و انحراف در شناخت مسیر صحیح حیات، منجر به گمراهی در دین و زندگی می‌باشد.

واژگان کلیدی

دعا، دعای عصر غیبت، امام زمان علیه السلام، عنصر فکری.

* تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۲

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس، ایران (نویسنده مسئول) (hoseini.zeydi@razavi.ac.ir).

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس، ایران (HamidAbbaszadeh@hotmail.com).

۳. کارشناس ارشد دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس، ایران (Mohamadian313@gmail.com).

عصر غیبت حضرت بقیة الله دوره فتنه‌ها و خطرهای و انحراف‌هاست؛ پیروان امام غایب باید در تمام فراز و نشیب عصر غیبت، هم نگهبان عقاید خود باشند و هم مراقب رفتارهای خود که مبادا از چارچوب پیروی از امام، بیرون روند و گرفتار دام‌های شیاطین شوند. یکی از مهم‌ترین وسائل و دستاویزها، دُعا و ارتباط با خدا و نیز ارتباط با امام است تا این‌که او را فراموش نکنند و در قالب ذکر و دعا و زیارت با او پیوند داشته باشند.

دعا کردن برای حضرت مهدی علیه السلام و توسل به آن حضرت و زیارت آن بزرگوار، زمان و مکان خاصی ندارد. شیعیان و منتظران آن عزیز، در هر زمان و مکانی می‌توانند با او نجوایی داشته و درود و سلام خود را به محضرش تقدیم کنند و عهد و پیمان خود را با او تجدید نمایند. ادعیه و زیارات مهدوی در همان حال که مناجات با خدا و عرض ارادت و اخلاص به محضر ولیّ زمان و حجّت دوران است، سندی محکم برای شناخت بیشتر و عمیق‌تر از شخصیت امام عصر علیه السلام و مسائل مربوط به آن بزرگوار - نظیر غیبت، انتظار و ظهور - است.

این دعاها ضمن برقراری ارتباط با خدا، فرستاده‌ای الهی و انسانی کامل را در جایگاه واسطه فیض و منجی موعود مورد توجه قرار می‌دهد و این خلانبود امام عصر علیه السلام حس نیاز به او را در جامعه می‌گستراند و موجب در خواست حضور و ظهور او از خداوند متعال می‌شود. هم‌چنین بستر پذیرش ولایت و توجه به امامت به صورت شخصی و مصداقی حقیقی از آن را فراهم می‌آورد و خاستگاه این آرمان قرار می‌گیرد چرا که دعا و زیارت، به شور و احساس و عواطف مخاطب در این حوزه توجه می‌کند و حلقه وصل جامعه و امام خویش قرار می‌گیرد.

دعاهای منسوب به امام زمان علیه السلام راهی است برای انتقال مباحث انتظار؛ با تأمل و تدبیر در این ادعیه، معرفت و شناخت ما به امام زمان علیه السلام کامل تر شده و به آن حضرت، بیشتر احساس نیاز می‌کنیم. فرهنگ انتظار را در افراد منتظر، نهادینه می‌کند و زمینه ظهور امام زمان علیه السلام را فراهم می‌نماید.

از جمله دعاهایی که در این زمینه وارد شده است دعای مخصوص عصر غیبت است که بسان دریای بیکران سرشار از معارف توحیدی و مهدوی است؛ و لذا در پژوهش

حاضر به دنبال آن هستیم که مؤلفه‌های شکلی، ساختاری و فکری، این دعا را مورد بررسی و واکاوی قرار دهیم.

معرفی دعای عصر غیبت

این دعا را زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* از ابومحمد حسین بن احمد مکتب نقل می‌کند:

ابوعلی بن همام این دعا را برای ما نقل کرد و گفت که شیخ عمری این دعا را برای او املا کرده و به او امر نموده که این دعا را در عصر غیبت قائم بخواند. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۱۳)

شیخ طوسی در *مصباح المتعجد* این دعا را ابومحمد هارون تلعبکری روایت کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۱۱) کفعمی هم در *بلد الامین* در ذیل اعمال روز جمعه این دعا را مروی از حضرت قائم ذکر می‌کند (کفعمی، ۱۴۱۸: ۳۰۶) علامه مجلسی نیز در سه جای مختلف *بحار الانوار* این دعا را نقل می‌کند که یک بار آن ذیل اعمال سرداب مقدس سامرا می‌باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۸۷؛ ج ۹۲، ۳۲۷؛ ج ۹۹، ۸۹)

در دعای عصر غیبت ابتدا درخواست معرفت خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و حجت الله را دارد و بعد عدم شناخت را سبب گمراهی و مسیر اهل بیت علیهم السلام و دوازده امام را تنها مسیر نجات معرفی می‌کند. سپس از خدا ثبات یقین و طاعت و بندگی خدا و صبر در راه حق را می‌طلبد صبری که تقدیم و تأخیر در قضای الهی را حتی دوست نداشته باشد. بعد از این که تسلیم و رضای خود به قضای الهی را بیان کرد دیدار امام عصر علیه السلام به صورتی آشکار و واضح آرزو می‌کند. البته دیدار عمومی و آشکار و قرار گرفتن در زمره کسانی که چشم‌شان به جمال حضرت حجت علیه السلام روشن شده است.

بعد از آن در جهت سلامتی یگانه منجی عالم بشریت دست به دعا بلند می‌کند و در عبارات بعد دلیل این که چرا این قدر برای امام عصر علیه السلام دعا می‌کند را واضح می‌سازد چون او هادی و مهدی و... امت است.

پس از توجه مردم به امر غیبت، دنیا در دوران ظهور را ترسیم و به نقش اصلاحی حضرت می‌پردازد که یاور مومنین، نابودگر اهل ظلم، محیی سنن الهی و... است؛ در این جا که تمرکز بسیاری بر نقش قائم بر حق بودن حضرت و نابودی تمام کفر و نفاق طرح می‌شود:

اللَّهُمَّ... ذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ وَأَبْرِزْ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّكَاسِينَ وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّيْهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَّ مِنْهُمْ دَيَّارًا وَلَا تُبْقِ لَهُمْ آثَارًا وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ.

در این جا شاید شک و شبهه در دل برخی به وجود آید که کفر با این همه قدرت و بروز ظاهری توسط حضرت به طور کامل برچیده و تمام مظاهر آن نابود می‌گردد؟ لذا براد دفع این شبهه او را انتخاب شده توسط خدا و یاری شده معرفی می‌کند «فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَازْتَصَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ» و این نوع معرفی یک قراری برای شنونده پدید می‌آورد.

حال که نقش محوری ولی الله در هدایت و رهبری جامعه برای منتظر مشخص شده است شدت مشکلات در ذهن و فکر او طاقت از او می‌برد و در فراغ امام خویش و کثرت دشمن و قلت دوستان لب به شکایت می‌گشاید؛ در این هنگام تنها راه خلاصی جامعه را دعا برای فرج مولا تصور می‌کند و لذا دست به دعا برمی‌دارد و تعجیل در ظهور را برای نابودی دشمنان خدا و مظاهر کفر مسئلت می‌نماید.

در عبارات پایانی به روی دیگر فرج توجه می‌کند و آن نقش اصلاحی حضرت است در عبارات فوق بیشتر به نقش حضرت در مقابل دشمنان و ظالمان تمرکز داشت ولی اکنون برای زدایش شک از دل‌ها نقش سازنده حضرت را هم به عنوان مظهر حق، برپاکننده عدل، محیی دین و دستورات الهی و برطرف‌کننده ضُرِّ مضطربین نشان می‌دهد.

بنابراین آن چه در این دعا بیش از همه مورد توجه است جایگاه ولایت و ولی خدا می‌باشد. از ابتدای دعای که معرفت خدا، پیامبر و ولایت ولی الله را طلب می‌کند تا پایان دعا دائم به موضوع ولایت الهی می‌پردازد و با توجه به این که این در باب عصر غیبت است ولی الله حضرت بقية الله الاعظم می‌باشند حتی بحث و دعا در باب حضرت حجت علیه السلام در ذیل ولی الله مطرح می‌شود.

چنان چه در این دعا مطرح شده است، اگر انسان، امام را نشناسند، چگونه می‌تواند کار او و دستورش را اجرا کند و چنان چه فرمان ایشان را اجرا نکند، حرمتی ندارد. امام هم خلیفه پیغمبر است و اگر پیغمبر را نشناسد، امام را هم نخواهد شناخت. ثمره شناخت ولی الله یافتن مسیر حق و رهایی از گمراهی است که چنین فیضی فقط در پرتو معرفت ولی الله و رجوع به او و عمل به دستورات اوست.

عنصرشکلی در دعای عصر غیبت^۱

دعای عصر غیبت به لحاظ ادبی، از آن جا که دارای ادب نیایش است، شأن و مقامی ویژه و منحصر به خود دارد. از زیباترین متون ادبی مذهبی است که متأسفانه تاکنون از لحاظ زیبایی‌شناسی ادبی و سبک و اسلوب کلامی آن مورد تحلیل و دقت قرار نگرفته است لذا از حیث شکلی مباحث محاوره، عاطفه، تصویر، موسیقی، و مضمون در این دعا بررسی می‌شود.

۱. عنصر محاوره

در این دعا یک گفتگو وجود دارد یک گفتگوی واضح و مشخص؛ در این دعا از ابتدا تا انتها گفتگو میان منتظر و حضرت باری تعالی برقرار است و منتظر درخواست‌های خود را مسئلت می‌کند. برخلاف سایر ادعیه عصر غیبت از حمد و ثنای الهی شروع نمی‌کند بلکه در آغاز دعا معرفت خداوند را طلب می‌نماید.

از ابتدا تا انتهای دعا حالت خطابی دعا حفظ می‌گردد «اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ، اللَّهُمَّ تَبْتِنِي عَلَى دِينِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيَّ أَمْرِكَ، أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ، لَا أُحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، أُبْرِزُ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الظَّاهِرِينَ» ادوات خطاب در این دعا انواع حالت خطاب را مطرح می‌کند: "انت" و "ت" و "ت" ضمیر یا "انت مستتر".

اسلوب دیگر خطاب در این دعا منادا قرار دادن خداوند با لفظ "اللَّهُمَّ"، "يَا رَبِّ" و "رَبِّ" است. فراوانی ادوات خطاب خداوند در این دعا نکته‌ای قابل اهمیت است؛ به طور مثال در این عبارت کوتاه «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَ قَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ» هشت خطاب را ذکر می‌کند یا در عبارت دیگر «اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ دَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ أَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ» کثرت مخاطب قرار دادن و انتساب به او را مشاهده می‌کنیم.

یک سوی این خطاب خداوند است و دیگر طرف فرد منتظر است در یک نگاه کلی

۱. با توجه به این که عناصر سه‌گانه فکری، شکلی و ساختاری در مقاله «بررسی عناصر سه‌گانه فکری، شکلی و ساختاری دعای ندبه» مورد بررسی قرار گرفته است، به توضیح این عناصر در این جستار نمی‌پردازیم.

حضور دو طرف گفتگو به طور کامل از ظاهر عبارات مشخص است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيَّ أَمْرِكَ» در این عبارت سه خطاب قرار دارد و سه مرتبه هم حضور متکلم مشاهده می‌شود.

اما این مکالمه بعد دیگری هم دارد که موضوع محوری این دعا را تشکیل می‌دهد و آن حضرت حجت علیه السلام می‌باشد. در این محاوره به شکل‌های گوناگون توجه به امام عصر علیه السلام می‌شود گاهی به طور صریح اسم حضرت را ذکر می‌کند "الْمُهْدِيُّ" و گاهی از عنوان "وَلِيَّ أَمْرِكَ" و "وَلِيِّكَ" گاهی هم با ضمیر توجه را به امام جلب می‌کند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَيْدُهُ بِالنَّصْرِ وَ انْصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَازِلِيهِ وَ دَمِدْمِ عَلَيَّ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ وَ أَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ وَ أَمَثَ بِهِ الْجَوْرَ وَ اسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدُّلِّ وَ انْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ»

۲. عنصر عاطفه

عاطفه در دعای عصر غیبت نوع خاصی دارد، شور و اشتیاق در آن در ضمن ابراز اشتیاق و یاری حضرت حجت علیه السلام ابراز می‌شود:

۱. مرحله تحریک عاطفه: اولین قسمت از طرحواره فرایند عاطفی گفتمان بحث از انگیزش عاطفه می‌باشد؛ مرحله تحریک عاطفه در دعای عصر غیبت در دو لایه مشاهده می‌شود:

در لایه اول در پی بیان جایگاه و اهمیت شناخت ولی الله در جامعه است که ملاک ضلالت و هدایت در جامعه است، در این مرحله برای به حرکت درآوردن و ایجاد حساسیت در فرد منتظر جمالات به صورت شرطیه است که شنونده بعد از شنیدن هر شرط به طور فعال در پی نتیجه است. که این مسیر خود در چند قدم واضح می‌شود:

الف) در این قدم عرفان به خدا بیان و طلب می‌گردد «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ وَ لَمْ أَعْرِفْكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ» عدم شناخت خداوند منجر به عدم شناخت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و در پی عدم شناخت فرصت بهره‌مندی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را نخواهد داشت.

ب) در قدم دوم طلب شناخت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را دارد: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ»

ج) در قدم آخر این مرحله در پی معرفت به حجت خداست که ثمره شناخت خدا و رسول او می‌باشد: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ» اما در این گام باز به صورت شرطی در پی معرفت حجت خداست و با تعبیر «فَأَنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ» حس جستجو و رغبت به نتیجه را در فرد بیشتر می‌کند و منتظر دچار عطشی در این جاست که نتیجه گام‌های قبل را آشکار می‌کند و آن «صَلَّلْتُ عَنْ دِينِي» و گم کردن مسیر حق است. و در سه قدم منتظر را از حیث عاطفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. لایه دوم این مرحله هم در دو گام مطرح می‌شود تا حس تحریک‌پذیری عواطف برای فرد ایجاد شود:

الف) در گام نخست ابتدا در قالب یک دعا دغدغه قلبی و خوف خود از گمراهی را رفع می‌کند: «اللَّهُمَّ لَا تُمِتْنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي» در این جا ترسی که از گمراهی در او ایجاد شده را با یک دعا مرتفع می‌کند.

ب) سپس در گام دوم این لایه راه نجات از آن ترس را بیان می‌کند: «اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لَوْلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ، مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وُلَاةَ أَمْرِكَ، أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ» و آن راه نجات مسیرائمه عليه السلام است. در این دو لایه به طور کامل تحریک‌پذیری عاطفی منتظر به وجود آمده است و آماده ورود به مرحله بعد است.

۲. مرحله آمادگی: این مرحله، مرحله‌ای است که طی آن هویت فعلی مؤثر شوش‌گر عاطفی ظاهر می‌گردد. این مرحله در دعای عصر غیبت در چهار قدم بیان می‌شود: قدم اول: از خدا طلب ثبات قدم در دین را می‌کند: «اللَّهُمَّ فَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ» خدایا من را در دین خودت پایدار بدار.

قدم دوم: از خدا طاعت و عمل صالح را می‌خواهد: «وَأَسْتَعْمِلُنِي بِطَاعَتِكَ» و من را در عمل به طاعت خودت به کار بگیر.

قدم سوم: طلب ولایت و استمداد از خداوند برای آزمایش‌های سخت: «وَلَيْتُنْ قَلْبِي لَوْلِي أَمْرِكَ» و قلب من را ای خدا نسبت به امام زمان عليه السلام خودت نرم ساز. «وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ» و آن امتحان‌هایی که در زمان غیبت، خلقت را به آن آزمایش

می‌کنی، من را در آن امتحان‌ها پیروز گردان.

قدم چهارم: در این جا بعد ثبات قدم، اطاعت‌پذیری و طلب ولایت، صبر در دین طلب می‌کند: «فَصَبِّرْ نِي عَلٰی ذٰلِكَ» و من را بر آن شکیبا قرار ده. صبری که در تمام مراحل تسلیم محض امر خداوند منان باشد: «حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخَّرَتْ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتُ وَلَا كَشَفَ مَا سَتَّرْتُ وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتُ وَلَا أَنْزِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَ كَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ اِمْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ» وَأَفْوِضْ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ»

در این جا حسی که برای فرد منتظر ایجاد می‌شود روحیه پایداری، اطاعات‌پذیری، و صبر است و بایسته است این حالت در منتظر وجود داشته باشد.

۳. مرحله هویت: این مرحله نقش جایگاه مرکزی را در مجموعه مراحل عاطفی به عهده دارد. در همین مرحله است که تغییر آشکار و شوش‌گرهویت عاطفی خاصی را از خود بروز می‌دهد.

آغاز مرحله هویت در دعای عصر غیبت با عبارت «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ» است. در این جا آغاز هویت یافتن است که فرد منتظر عاشق آن حجت خدا می‌گردد حال که عاشق شد تمنای وصل یار را دارد و او را نور چشم خود می‌پندارد «اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْهِ».

در این مرحله برای این که عشق منتظر به امام بیشتر شود به معرفی امام می‌پردازد و بعد منتظر را وارد عصر غیبت و مرحله قیام می‌کند.

مرحله هویت در دعای عصر غیبت در سه لایه مطرح می‌شود:

لایه اول: در این قدم منتظر دچار خوف از سختی‌های عصر غیبت است. در واقع منتظر بین یک خوف و رجاء است از یک سو بیم و هراس از گمراهی و ناامیدی به سبب طول غیبت و بی‌خبری از مولای خود دارد: «اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمْدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا... لَا يُقَيِّظُنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ» لذا از خدای خود قوت قلب بر این دوری می‌طلبد «وَقَوْ قُلُوبَنَا عَلٰی الْإِيمَانِ بِهِ».

منتظر این حالت خوف خود را تبدیل به شوق هم می‌کند به گونه‌ای که حتی لحظه مرگ هم دل در گرو یار دارد یعنی شوقی همراه با امید و ایمان وجود او را فرا گرفته است: «لَا تَسْلُبْنَا ذٰلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وِفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَقَّأْنَا وَ نَحْنُ عَلٰی ذٰلِكَ لَا شَاكِيْنَ وَلَا نَاكِيْتِيْنَ وَلَا مُرْتَابِيْنَ وَلَا مُكَدِّبِيْنَ» در این جا لایه اول مرحله هویت‌یابی که خوف است به

پایان می‌رسد و گام در قسمت دیگر می‌گذارد.

لایه دوم: هم چنان که ذکر شد منتظر در مرحله هویت یابی عاطفی در دعای عصر غیبت در یک خوف و رجاء قرار دارد، خوف از گمراه شدن از مسیر حق. در لایه دوم امید در دل منتظر زنده می‌گردد: او زنده‌کننده حق، میراننده جور، ناجی بندگان مؤمن خدا از ظلم و ستم جباران است: «أُظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ وَ أَمِثْ بِهِ الْجَوْرَ وَ اسْتُنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدُّلِّ» در همین راستای امیدبخشی به فرد منتظر نابودی کفر و استکبار را هم وعده می‌دهد که ظلم ظالم مستدام نیست و خانه ظلم زورمندان زورگو ویران و شرق و غرب عالم از فساد مفسد پاک می‌گردد «وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ وَ اقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الصَّلَالَةِ وَ ذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ الْكَافِرِينَ وَ أَبْرِزْ بِهِ الْمُتَمَنِّعِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ جَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْمُلْحَدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا» تا شفای دل و آرامش خاطر برای ستمدیدگان و محرومان باشد «وَ طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ أَشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ».

لایه سوم: برای این که منتظر از خوف و رجاء خارج شود و به یقین برسد دوباره به معرفی امام عصر علیه السلام می‌پردازد که او منتسب از سمت خدا و برگزیده و منتخب از جانب خداوند منان است و با این معرفی یقینی نسبت به وعده‌های قبل در منتظر ایجاد می‌گردد: «فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْغُيُوبِ وَ أَظْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ تَقَيَّتَهُ مِنَ الدَّنَسِ»

۴. مرحله هیجان: نتیجه تغییر وضعیت و هویت عاطفی بروز هیجاناتی است که نشانه‌هایی فیزیکی دارد: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَنَا وَ غَيَّبَهُ وَ لَبَّيْنَا وَ شَدَّ الزَّمَانَ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ كَثُرَ عَدُوْنَا وَ قَلَّ عَدَدِنَا» در این دعا فعالیت جسمی منتظر در قالب شکوه و گلایه نسبت به برخی امور است که او را دچار اندوهی کرده که تحمل آن سخت است و لب به شکایت می‌گشاید.

منتظر بعد از طی مراحل قبل اکنون به شور و هیجان در می‌آید و تمام مصائب را در این هیجانات خود مشاهده می‌کند نبود پیامبر، غیبت امام عصر علیه السلام، سختی زمانه، فتنه‌های بی‌شمار، همدستی دشمنان، کثرت دشمن و انگشت شمار بودن دوستان جان او را به لب می‌آورد و از این هجر جانکاه فریاد و فغان نه، بلکه شکایت می‌کند.

۵. مرحله ارزیابی: در این مرحله نوعی ارزیابی یا قضاوت صورت می‌گیرد. عمده طلب در این مرحله که به انواع گوناگون درخواست می‌شود راه نجات و گشایش است و فرد منتظر فقط نقطه رهایی و نجات بشریت را در قامت دوست می‌بیند: «اللَّهُمَّ فَفَرِّجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ»

در گامی دیگر بعد از خواست فرج و نصرت از شوق و اشتیاق نابودی تمام کفر را به طور کامل مطرح می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَفَتْحِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا وَلَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَدَمْتَهُ وَلَا حَدًّا إِلَّا فَالَلْتَهُ وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلَلْتَهُ وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَلَا شَجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَدَلْتَهُ... وَعَدَّ بَأَعْدَاءِكَ وَأَعْدَاءَ دِينِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَيْدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ» در این عبارات روحیه بی‌زاری و انزجار از کفر را به نمایش در می‌آورد تا جایی که فرد به هیچ وجه ظلم را برنتابد.

بعد از طلب نابودی کفر نسبت به امام خویش احساس خوف می‌کند لذا برای سلامتی و حفظ امام خویش دست به دعا بلند می‌کند: «اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيَّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَكَيْدَ مَنْ كَادَهُ وَامْكُرْ بَيْنَ مَكْرِبِهِ وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَيَّ مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا»

بعد از این که نسبت نابودی کفر به یک سکون می‌رسد پای فراتر می‌نهد و در پی احیای دین و قرآن، زنده کردن حدود و احکام دین و... است «اللَّهُمَّ وَأَخِي بُولِيَّكَ الْقُرْآنَ وَآرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا لَا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَأَخِي بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوُغْرَةَ وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْظَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ»

در پایان دعا بعد از بیان که از همه امور کلی دعای فردی همه مطرح می‌کند، از جمله آن دعاها: یاور حضرت بودن، قرار نگرفتن در زمره دشمنان آل الله و... است: «اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ... اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

۳. عنصر تصویر

در حقیقت سهم عنصر تصویر در دعا کمتر است اما در عین حال عنصر صورت را

نمی‌توان در دعا نادیده گرفت.

الف) تصویر امام: تصویر امام عصر علیه السلام در دعای عصر غیبت از چند بُعد قابل بررسی است، از یک حیث او برگزیده خداوند که برای نابودی ظلم و ستم انتخاب شده است و از این حیث که ظلم را نابود می‌کند مایه رحمت برای مستضعفین است.

در این دعا تصویر متضاد از امام ارائه می‌دهد امام در این تصویر دارای دو جنبه متضاد است، این وجوه مختلف در واقع قطعات یک پازل هستند زمانی که این قطعات در کنار هم قرار بگیرند تصویر این پازل تکمیل می‌شود. در این دعا هم مانند دعای ندبه امام نابودگری سازنده است؛ کاخ ظلم مستبد را ظالم و خانه عدل برای مستضعفین و عبادالله بنا می‌سازد. این تضاد یک تصویر دل‌چسب و دلنشین از امام است.

ب) تصویر کفار و منافقان: نکته‌ای که در دعای عصر غیبت در باب کافران و منافقین ارائه می‌دهد ناظر به این مطلب است که در واقع کفار همگی در یک درجه نیستند تا با شنیدن این اصطلاح، ذهن ما تنها به طرف عناصر عادی و معمولی منحرف شود، بلکه برخی کفار برای تخلیه شهوات و ارضاء تمنیات خود به صورت حرفه‌ای عمل می‌کنند و به لذات معمول و متداول قانع نیستند و بالاترین سطح از لذائذ مادی را دنبال می‌کنند و از آن‌جا که دستیابی به این سطح از لذائذ به صورت فردی ممکن نیست، به استثمار سایر انسان‌ها مبادرت می‌کنند. «فَأَتَّهَمُوا أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَأَصْلُوا عِبَادَكَ وَآخِرُيَا بِالْإِدْكَ»

در یک مثال ساده، کسی که اهل دنیا باشد، ملاحظه می‌کند که فقط برای خوردن یک غذای خوب، باید به سرچشمه برود و آب بردارد و سپس چوب جمع کند و آتش روشن کند و در جنگل به دنبال مواد غذایی بگردد و آنها را برای طبخ آماده کند و... و به این ترتیب باید تمام روز را زحمت بکشد تا در آخر شب، موفق به صرف غذا شود. چنین وضعیتی برای کسی که به دنبال برترین سطوح از شهوات و تمنیات مادی است، قابل تحمل نیست و لذا لذت پرستی حرفه‌ای به او حکم می‌کند تا انسان‌های مختلفی را به خدمت بگیرد تا با بیگاری کشیدن از آنها، بهترین غذا با کمترین زحمت برای او حاضر شود.

پس کافرو دنیاپرست حرفه‌ای لاجرم به جمع کردن فدایی و زیردست و نوکرو چاکر و... می‌پردازد و با ارباب و تهدید و تطمیع و... طبقه حاکم و محکوم و قشر فرمان‌ده و

فرمان بردار ایجاد می‌کند و زبردستی و خدمت‌گزاری را به خود را به اکثریت مردم تحمیل می‌کند و جایگاه مدیریت و ریاست را برای خود به پذیرش عمومی می‌رساند؛ و به عبارت دیگر برای رسیدن به هوای نفس خود، جمع و جامعه تشکیل می‌دهد: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَذَابِكَ فِي عِبَادِكَ وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا وَلَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَدَمْتَهُ وَلَا حَدًّا إِلَّا فَلَلْتَهُ وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتَهُ وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ وَلَا جَيْشًا إِلَّا حَذَلْتَهُ»

۴. عنصر موسیقی

به طور کلی موسیقی در دعای عصر غیبت دارای دو قسمت می‌باشد؛ در جایی که به بحث ظالمان و انتقام حضرت حجت علیه السلام از آنها می‌پردازد ما شاهد تند شدن ضرب آهنگ جملات و القای قوت هستیم «وَشَدِّدَ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ، وَ الْعَنُّهُمْ فِي بِلَادِكَ وَأَسْكَنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ وَأَحْطَ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ» به طور مثال در این عبارات به کار گرفتن کلمات "عذابک، عبادک، بلادک، نازک و عذابک" در کنار کوتاهی جملات حس شدت را بیشتر انتقال می‌دهد. در این جا انتخاب حرف کاف به عنوان روی که امکان ایجاد کشش و تحریر با آن فراهم نیست و باید کلام قطع شود قدرت بیشتر منتقل می‌کند.

در عبارت «ازمهمم یا رب بحجرک الدامغ واضربهم بسیفک القاطع وبأسک الذی لا تزده عن القوم المجرمین» به لحاظ وزن عبارت ما یک ریتم هماهنگ کامل را مشاهده نمی‌کنم بلکه تا حدی ضرب آهنگ جملات نا موزون هم می‌باشد اما بهره بردن از کلماتی مانند "بحجرک، الدامغ، واضربهم و القاطع" نوعی صلابت را انتقال می‌دهد.

در کنار قرار گرفتن کلماتی که دارای فخامت هستند در واقع به شکلی دیگر سبب ایجاد حس عظمت برای امام به عنوان نابودگر ظلم است: «أَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكَفْرَةِ وَأَقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الصَّالَةِ وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ وَأَبْزِ بِهِ الْمُتَنَافِقِينَ وَالتَّائِبِينَ وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَالمُلْحِدِينَ» در این جا الفاظی مانند "أَقْتُلْ، جَبَابِرَةَ الْكَفْرَةِ، أَقْصِمْ، رُءُوسَ الصَّالَةِ، ذَلِّلْ، الْجَبَّارِينَ، الْكَافِرِينَ، الْمُتَنَافِقِينَ، التَّائِبِينَ، الْمُخَالِفِينَ، الْمُلْحِدِينَ" خود هماهنگی معنا را با لفظ سبب شده است.

در قسمت دیگر مباحث به معرفی حجت الله در جامعه می‌پردازد هم ما دونوع ریتم و وزن را عبارات مختلف مشاهده می‌کنیم: در یک قسمت ما شاهد به کارگیری جملات کوتاه، و دارای وزن واحد هستیم که این ریتم و وزن واحد به ثبات و قرار منتظر کمک می‌کند. «أَبْرَزَ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ وَثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْهِ وَأَقِيمْنَا بِخِدْمَتِهِ وَتَوَقَّفْنَا عَلَىٰ مِلَّتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ»

در برخی از قسمت‌ها هم شاهد موسیقی خاصی نیست بلکه یک اسلوب روان برای بیان معانی عادی به کار رفته است: «حَتَّىٰ لَا أُجِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ وَلَا أَنْزَاعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ «لِمَ وَكَيْفَ وَ مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ» وَأَفْوِضْ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ»

عناصر ساختاری در دعای عصر غیبت

در دعای عصر غیبت ارتباط اجزا با یکدیگر کاملاً مشهود است. این به هم پیوستگی اجزاء به گونه‌ای است که جابه جای اجزاء در معنا خلل ایجاد می‌کند.

۱. محور عمودی

در دعای عصر غیبت ابتدا درخواست معرفت خدا، پیامبر ﷺ و حجت الله را دارد و بعد عدم شناخت را سبب گمراهی و مسیر اهل بیت ﷺ و دوازده امام را تنها مسیر نجات معرفی می‌کند. سپس از خدا ثبات یقین و طاعت و بندگی خدا و صبر در راه حق را می‌طلبد صبری که تقدیم و تأخیر در قضای الهی را حتی دوست نداشته باشد. بعد از این که تسلیم و رضای خود به قضای الهی را بیان کرد دیدار امام عصر ﷺ به صورتی آشکار و واضح آرزو می‌کند.

البته دیدار عمومی و آشکار و قرار گرفتن در زمره کسانی که چشم‌شان به جمال حضرت حجت ﷺ روشن شده است.

بعد از آن در جهت سلامتی یگانه منجی عالم بشریت دست به دعا بلند می‌کند و در عبارات بعد دلیل این که چرا این قدر برای امام عصر ﷺ دعا می‌کند را واضح می‌سازد چون او هادی و مهدی و... امت است، و به برخی نکات در باب حضرت توجه می‌دهد مانند طول غیبت، انتظار فرج، خطر ناامیدی از فرج به خاطر مدت غیبت و...

پس از توجه مردم به امر غیبت، دنیا در دوران ظهور را ترسیم و به نقش اصلاحی

حضرت می پردازد که یاور مؤمنین، نابودگراهل ظلم، محیی سنن الهی و... است، در این جا که تمرکز بسیاری بر نقش قائم بر حق بودن حضرت و نابودی تمام کفر و نفاق طرح می شود: «اللَّهُمَّ... دَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ وَأَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاسِئِينَ وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا وَظَهَرِ مِنْهُمْ بِالْأَدَكِ»

در این جا شاید شک و شبهه در دل برخی به وجود آید که کفر با این همه قدرت و بروز ظاهری توسط حضرت به طور کامل برچیده و تمام مظاهر آن نابود می گردد؟ لذا برا دفع این شبهه او را انتخاب شده توسط خدا و یاری شده معرفی می کند: «فَأَنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَاسْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ» و این نوع معرفی یک قراری برای شنونده پدید می آورد.

حال که نقش محوری ولی الله در هدایت و رهبری جامعه برای منتظر مشخص شده است شدت مشکلات در ذهن و فکر او طاق از او می برد و در فراغ امام خویش و کثرت دشمن و قلت دوستان لب به شکایت می گشاید. در این هنگام تنها راه خلاصی جامعه را دعا برای فرج مولا تصور می کند لذا دست به دعا برمی دارد و تعجیل در ظهور را برای نابودی دشمنان خدا و مظاهر کفر مسئلت می نماید.

در عبارات پایانی به روی دیگر فرج توجه می کند و آن نقش اصلاحی حضرت است در عبارات فوق بیشتر به نقش حضرت در مقابل دشمنان و ظالمان تمرکز داشت ولی اکنون برای زدایش شک از دل ها نقش سازنده حضرت را هم به عنوان مظهر حق، برپا کننده عدل، محیی دین و دستورات الهی و برطرف کننده ضُر مضطربین نشان می دهد.

۲. محور افقی

هم چنان که دعا به عنوان یک مجموعه واحد و سیر خطی آن مورد بررسی قرار می گیرد واحدها و اجزای مختلف آن هم به طور جداگانه مورد کنکاش واقع می شود:

محور اول: شناخت مسیر حق و حجت الله، این قسمت متشکل از اجزای مختلفی است:

الف) شناخت خدا، پیامبر خدا ﷺ و حجت الله سبب هدایت در مسیر بندگی و عدم درک درست این مسیر سبب ضلالت و گمراهی بشریت است.

ب) معرفی حجج الله در جامعه، خداوند منان بعد رسول الله ﷺ، دوازده حجت را

برای راهنمایی بندگان معین کردند.

ج) حال که منتظر نقش حجج الهی را در هدایت جامعه دریافت؛ طلب ثبات در این مسیر، اطاعت پذیری، ولایت پذیری و صبر در سختی های مسیر را دارد، و همه امور خود را به خداوند واگذار می کند.

تا این جا محور اول دعا - یعنی توجه دادن به جایگاه ولی الله و تبیین اجمالی از وظایف فرد نسبت حجت الله - به پایان می رسد.

محور دوم: آرزوی دیدار حجت الله و دعا برای او:

الف) آرزوی دیدار ولی و حجت خدا در حالت قدرت و آشکارا؛

ب) آرزوی قرار در زمره دوستان و یاران حجت خدا؛

ج) دعا برای حفظ و سلامتی حجت خدا.

محور سوم: معرفی امام عصر علیه السلام به عنوان ولی الله و دوران غیبت و نقش حضرت: در این محور به معرفی حضرت حجت علیه السلام و جایگاه او در دوران غیبت می پردازد تاکنون بیشتر به نقش کلی حجت الله توجه داده بود حالا بحث را به طور خاص متوجه امام عصر علیه السلام دوران غیبت و فرج حضرت است:

الف) معرفی امام عصر علیه السلام به اوصافی مانند: هادی، قائم، طاهر، نقی، زکی و...

ب) در این جا به مسئله غیبت طولانی امام زمان علیه السلام، قطع خبر از امام عصر علیه السلام در در این دوران، مسئله انتظار و یقین به حضرت در عصر غیبت و دعا برای حضرت: «اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَ الْإِيمَانَ بِهِ وَ قُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَ الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ»

ج) توجه دادن به جایگاه منتظران در عصر غیبت

د) بعد از معرفی حضرت و عصر غیبت به بحث ظلم و جور در این عصر می پردازد و حضرت را نابودگر مناقین، مخالفین و ملحدین بیان می کند.

ه) در گام سوم بعد از این که به نقش حضرت در جامعه عصر غیبت می پردازد، ممکن است شبهه در خاطر منتظران ایجاد شود برای زدایش آن امام را به طور کامل منتسب به خدا بیان می کند.

محور چهارم: راه نجات دعا برای فرج:

الف) منتظر که تاکنون با نقش محوری امام آشنا شده است دیگر تاب دوری این عزیز

را ندارد لذا به یاد مصائب در عصر غیبت شکوه سر می دهد
 ب) او تنها راه خود را دعا برای فرج تصور می کند، لذا دست به دعا برمی دارد «اللَّهُمَّ
 فَفَرِّجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تَعْجَلُهُ وَ نَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ»
 ج) باز در دعا برای فرج با یادآوری قیام حضرت در راه احقاق حق به این قیام توجه
 می دهد و دوران عصر قیام و فرج را واضح می کند.

د) در عصر قیام هیچ پناه گاه و مأمنی برای ظالمان وجود ندارد و آنها توان و نیروی
 برای مقابله با حضرت ندارند «لَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَهُ إِلَّا قَصَمْتَهَا وَلَا بَقِيَّةَ إِلَّا أَفْنَيْتَهَا
 وَلَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَلَا رُكْنَ إِلَّا هَدَمْتَهُ وَلَا حِدًّا إِلَّا فَلَطْتَهُ وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتَهُ وَلَا رَايَةً إِلَّا
 نَكَّسْتَهَا»

ه) در این جا دلیل بیزاری و انزجار خود از گمراهان و ظالمان را مطرح می کند تا شبیهه
 ایجاد نگردد چرا یک منتظر باید این قدر نفرت نسبت به سران کفر داشته باشد که چهار
 دلیل ذکر می کند: ضایع کردن نماز و یاد خدا، پیروی از شهوات، گمراه کردن بندگان و
 ویران کردن سرزمین ها «فَيَأْتِيهِمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَ أَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ أَخْرَبُوا
 بِلَادَكَ»

و) مشخص کردن شرایط در عصر ظهور که امام بر حق؛ جوامع را اصلاح، عدل و قسط
 را فراگیر، کرب و بلا را از جوامع می زداید.

عنصر فکری در دعای عصر غیبت

دعای عصر غیب دارای یک عنصر فکری محوری و اندیشه های فرعی است که در
 ذیل به آن اشاره می گردد:

۱. اندیشه اصلی؛ معرفت ولی الله، مسیر حیات

انسان به طور کلی در حیات خود نیاز دارد تا راه سعادت و شقاوت خود را بشناسد در
 این دعا مهم ترین مسئله آشنایی با محور هدایت و سعادت انسان است که عدم
 شناخت و انحراف در شناخت مسیر صحیح حیات منجر به گمراهی در دین و زندگی
 است.

در این دعا به ترتیب معرفت خداوند متعال، پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام را به عنوان راه
 سعادت در حیات از خدا طلب می کنیم یعنی نجات بشریک مسیر دارد و آن معرفت به

ائمه اطهار علیهم‌السلام به عنوان اولیاء الهی در جامعه است و اگر انسان به این شناخت دقیق نرسد و بمیرد گویا به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. معرفت صحیح امام، عصاره و نتیجه دین‌شناسی است و یاوران حقیقی امام عصر اهل بصیرت در دین هستند. محبت ورزیدن به امام، از معرفت قلبی برمی‌خیزد. قلبی که از محبت امام سرشار شده، همه حالاتش براساس این محبت قلبی شکل می‌گیرد و اعمال او نیز متناسب با میزان محبتش ارج و ارزش می‌یابد.

نکته‌ای که در همین دعا در ذیل این شناخت حائز اهمیت است ملاک و میزان معرفت به ولی و حجت خدا چیست؟ در همین عبارات دعا پاسخ این پرسش بیان می‌شود: «هَدَيْتَنِي لَوْلَايِهِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ» کمترین مرتبه معرفت به اولیاء الهی علم به این نکته است که اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام واجب است. شاید میزان معرفت نسبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام از اطاعت‌پذیری فرد نسبت به امام مشخص شود، به هر میزان که یک انسان از امام خودش اطاعت‌پذیر باشد، به همان میزان هم معرفتش بالاتر است؛ و لذا از خداوند متعال قوت در اطاعت از مولای خویش را طلب می‌کند «قَوْنَا عَلَيَّ طَاعَتَهُ»، در عبارات پایانی دعا هم از خداوند منان فرمان‌برداری از امام را مسئلت می‌کند: «الْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ».

سؤالی که باید به آن توجه کرد این است که چرا در عصر غیبت بر معرفت امام تأکید و توصیه شده است؟ جواب این سؤال در روایتی از امام صادق علیه‌السلام بیان شده است:
 امامت را بشناس زیرا هرگاه امامت را شناختی تقدم یا تأخر این امر زیانت ندهد؛
 امامت را بشناس، زیرا هرگاه امامت را شناختی و قبل از قیام صاحب این امر فوت کردی گویا در خیمه او بوده‌ای. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۵۰)

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت محور اصلی این دعا: شناخت مسیر حق و حجت الله است که این قسمت متشکل از اجزای مختلفی است:
 الف) شناخت خدا: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حجت الله سبب هدایت در مسیر بندگی و عدم درک درست این مسیر سبب ضلالت و گمراهی بشریت است.
 ب) معرفی حجج الله در جامعه: خداوند منان بعد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دوازده حجت را برای راهنمایی بندگان معین کردند.

ج) حال که منتظر نقش حجج الهی را در هدایت جامعه دریافت: طلب ثبات در این مسیر، اطاعت‌پذیری، ولایت‌پذیری و صبر در سختی‌های مسیر را دارد و همه امور خود را

به خداوند واگذار می‌کند.

۲. اندیشه فرعی در دعای عصر غیبت

در کنار اندیشه اصلی دعا که حضرت یار می‌باشد، اندیشه‌های دیگری هم مطرح می‌شود که به سیر بحث کمک می‌کند:

الف) آشناسازی مؤمنان با شروط انتظار و صفات منتظران حقیقی امام عصر علیه السلام

در دعای عصر غیبت؛ شروط انتظار راستین را برای منتظر ذکر می‌کند که منتظر با رعایت این وظایف به امام خویش نزدیک ترمی گردد و این نزدیکی سبب اتصال با امام می‌شود و لذا تأخیر یا تعجیل در ظهور برای فرد تأثیر ندارد.

در این دعا ابتدا معرفت به مسیر حق را به عنوان شرط اول در مسیر انتظار بیان می‌کند زیرا هر فردی که قصد طی مسیری را دارد اگر نسبت به راه آگاهی نداشته باشد راه و بیراهه را نمی‌تواند تشخیص دهد؛ در مسیر انتظار امام حق هم فرد اول باید شناختی کامل از امام و انتظار او داشته باشد، بعد از این که گام نخست را منتظر برمی‌دارد نوبت به گام اصلی و سخت مسیری می‌رسد و آن استواری و ثبات قدم است، گام نخست مهم است ولی مهم‌تر از آن پایداری در مسیر سخت انتظار است چنان که بسیاری از افراد در راه انتظار هستند اما در مواجهه با مشکلات ترک طریق می‌کنند یا مسیر خود را عوض می‌کنند: «لَا تُزْغُ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي»

لذا در دعای عصر غیبت این نکته با عبارت مختلف مورد مسألت واقع می‌شود: «اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ،... ثَبِّتْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ،... اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ،... قَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ،... ثَبِّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ» در این عبارات، درخواست ثبات دین، پایداری بر اطاعت از امر ولی خدا، ماندگاری یقین، و ایستادگی در تبعیت از امام است.

ب) معرفی امام عصر علیه السلام

در این دعا برخی از عبارات به معرفی امام عصر علیه السلام می‌پردازد، در این دعا که برای دوران غیبت وارد شده است ناظر به این معنا است که امام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و واسطه فیض الهی تنها را اتصال به خداوند است: «فَأِنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي وَالْقَائِمُ الْمُهْتَدِي وَالظَّاهِرُ التَّقِي الرَّكِي التَّقِي الرَّضِي الْمَرْضِي الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ» لذا وقتی

به معرفی امام می‌پردازد امام هادی و هدایت‌گر است، مهدی قائم به حق و هدایت شده است.

در این عبارات به نقش راهنمایی ولی خدا توجه می‌شود و لذا امام را با اسامی و القابی ناظر به این معنا معرفی می‌کند. در عبارات بعد برای این که فرد مطمئن و معتقد به راهنمایی امام شود اسم‌های که مظهر پاکی، طهارت و نزاهت آن حجت خدا است را بیان می‌کند؛ در ادامه نام‌های دیگر امام که ناظر به مقام شکر، صبر و رضا را بیان می‌کند. در این دعا فرد ناظر به ذات اقدس خداوند دارد، لذا در همه فقره‌های این دعا امام را متصل به خداوند می‌کند: «فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَأَتَّصَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَأَظْلَعْتَهُ عَلَى الْعُيُوبِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَظَهَرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَنَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ...» در این جا امام را دائم منتسب به خداوند می‌کند، در ابتدا او خالص شده توسط خدا برای ذات اقدس او، در ادامه حضرت مهدی علیه السلام را خالص شده خدا بر خودش، برگزیده برای یاری خدا، پاک شده از گناهان، میرای از عیب‌ها مطلع بر غیب، مورد نعمت خداوند و مطهر از زشتی و پلیدی معرفی می‌کند.

تمام این القاب حضرت ناظر به این است که امام برگزیده خداوند و به طور کامل مورد حمایت حضرت حق است.

در دعای عصر غیبت در واقع منتظر ابتدا ناظر به ذات اقدس اله و معبود خویش می‌کند و سپس خدا او را به حجت و ولی خویش ارجاع می‌دهد که او هادی و قائم است و همو دارای طهارت و نقاوت است. در عبارت بعد سپس برای زدودن هر شکی نسبت به امام عصر علیه السلام او را برگزیده الهی، یاری شده از جانب خداوند و... معرفی می‌کند تا منتظر در این مسیر با ثبات یقین قدم بردارد. می‌توان گفت مسیر شناخت امام در عصر غیبت از فرد به سوی خداوند آغاز و به حضرت حجت علیه السلام ختم می‌گردد.

ج) توجه به شبهات و ضرورت تبیین آن

در دعای عصر غیبت یکی از اندیشه‌های طرح شده بحث پاسخ به شبهات است، مسئله ایجاد شبهات در تاریخ اسلام سابقه دارد و موضوع جدیدی نیست، اما در این دعا در پی توجه دادن به شبهات است.

در این دعا پاسخ چند شبهه طرح می‌شود، اما فقط هدف پاسخ به این شبهات

نیست بلکه می خواهد منتظران اهمیت این مطلب را درک کنند.

در ذیل برخی از شبهات مطروحه در دعا ذکر می گردد:

الف) یکی از شبهات جدی عصر غیبت مثل طول غیبت و مدت زمان مدید آن است که بسیاری از افراد آن را بر نمی تابند و دچار انحراف می گردند؛ لذا در دعا عصر غیبت به نکته توجه می دهد و از همان آغاز افراد جامعه را برای غیبت طولانی امام در جامعه آماده می کند «اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لَطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا»

در ابتدای عصر غیبت اول طلب یقین می کند و قسمت های پایانی علاوه بر یقین منتظر را به سمت خلوص محض و پاکی از همه شک ها و شبهه ها سوق می دهد و این که طلب نجات از شبهات را می کند علاوه بنیاز به رحمت و فضل خدا، به طور عادی نیازمند تلاش منتظر در راه ازاله پرده های شک است: «اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الظَّاهِرِينَ وَعَلَى شَيْعَتِهِ الْمُتَتَجِبِينَ وَبَلِّغُهُمْ مِنْ أَمَلِهِمْ [أَفْضَلَ] مَا يَأْمُلُونَ وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِمَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نُنْظَلَبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ»

ب) یکی از شبهات ناروا که به شیعه نسبت داده شده است مسئله شرک است؛ شیعه را به اتهام این که اهل بیت علیهم السلام را تا مرتبه ربوبیت بالا برده اند مشرک قلمداد می کند. در این دعا به این شبهه به طرق مختلف پاسخ می دهد، در یک مرحله هنگامی که قصد دارد برای امام به عنوان نابودگر کفر دعا کند ابتدا تمام قدرت و سلطنت را منتسب به خدا می سازد تا ذهن ها دچار شبهه فوق نگردد: «مَعَ عَلَمِي بَأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَ الْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ»

یا در همین دعا پی در پی امام را منتسب به خدا می کند و از خداوند درخواست حفظ امام و یاری او را دارد: «اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَذَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ أَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

پاسخ دیگری که با محوریت دعای عصر غیبت برای این شبهه می توان بیان کرد این است که کثرت استمداد از خداوند منان، کثرت خطاب قرار دادن حضرت باری تعالی و کثرت نام آوردن خدا از ابتدا تا انتهای دعا دلیلی برد این شبهه و ادعا می باشد.

ج) یکی از اندیشه ها و مضامین مطرح شده در دعا انزجار از کفر و باطل و درخواست

شدت عذاب و بلا برای کافران و مشرکان است. بعد از بیان این اندیشه، شاید این شبهه به ذهن خطور کند که چرا نسبت به آنها این قدر شدت و سختی را طلب می‌کند؟ در دعای عصر غیبت دو نکته را توجه می‌دهد:

اول این که شدت در برخورد برای همه نیست و فقط سردمداران ظلم و گمراه‌کنندگان مخاطب این نفرین‌های سنگین هستند: «وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكَافِرَةِ وَأَقْصِمْ بِهِ زُؤُوسَ الصَّالَةِ...»

دوم این که دلیل این شدت هم به خاطر ظلم و ستم‌های است که کافران نسبت به بندگان خدا داشته‌اند: «فَأْتَهُمْ... وَأَصْلُوا عِبَادَكَ وَأَخْرَبُوا بِلَادَكَ»

د) یکی دیگر از شبهاتی که در این دعا به آن می‌پردازد این است که برخی گمان دارند امام زمان علیه السلام خود به تنهایی تمام مشکلات را برطرف می‌کند و دیگران فقط نظاره‌گر هستند یا در واقع چنین می‌پندارند افراد نقشی در ظهور ندارند. در صورتی که این پندار باطل است و در دعا به این عقیده بی‌اساس پاسخ می‌دهد.

در غیبت و فرج حضرت حجت علیه السلام و اقامه حق در جامعه خود مردم نقش محوری و اساسی دارند و تا حرکت عمومی و خواست فراگیر مردم و همراهی آنان نباشد ظهور هم اتفاق نمی‌افتد؛ لذا در دعای عصر غیبت هنگام پرداختن به وقایع عصر قیام حضرت و نبود ظالمان؛ نقش عبادالله را هم طرح می‌کند تا این خیال که مردم هر طور باشند در قیام و ظهور حضرت تأثیری ندارد را از فکر و خیال افراد کج‌اندیش دور کند: «عَدَدُ أَعْدَاءِكَ وَأَعْدَاءِ دِينِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْدٍ وَلِيَّتِكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ»

د) دیدار یار

در این دعا به مقوله دیدار با امام زمان علیه السلام می‌پردازد که در دوران غیبت کبری یکی از مسائل پرچالش در میان شیعیان است.

دعای عصر غیبت به نوعی هم اشتیاق دیدار را افزون می‌کند و هم برخی از اندیشه‌ها را در باب ملاقات با امام عصر علیه السلام را اصلاح می‌کند؛ در طول تاریخ غیبت تمام شیعیان در هر مرتبه و جایگاه و تفکری آرزوی دیدار و ملاقات با امام خویش داشته‌اند و بسیاری از افراد برای دیدار با حضرت دعا و چله‌نشینی کردند، در این دعا این خواست و علاقه به

ملاقات به امام را محترم می‌شمارد اما آن را اصلاح می‌کند به این صورت که در زمان سخن از دیدار حضرت آرزوی دیدار امام را به صورت عمومی را دارد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ؛ فَأَفْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ وَاضِحَ الدَّلَالَةِ هَادِيًا مِّنَ الضَّلَالَةِ شَافِيًا مِّنَ الْجَهَالَةِ»

در این عبارات در ضمن توجه دادن به مبحث دیدار حضرت ولی عصر عجلت الله فرجه یک جریان را تبیین می‌کند که دیدار امام به صورت فردی نکته مهم و قابل توجه‌ای است اما نه در یک گوشه و به صورت مخفی بلکه دیداری در انظار عموم و خارج از پرده غیبت.

در دیدار اول امام در حالت خوف است ولی در پرده دوم از دیدار، حضرت در اوج قدرت است و دشمنان خدا در حالت ضعف و زبونی قرار دارند؛ مهم این است که انسان زمانی که به محضر حضرت مشرف می‌شود با لبخند رضایت حضرت روبرو باشد و بتواند از وجود نورانی وی بهره‌مند شود و البته این لبخند رضایت حضرت زمانی است که حضرت بر ظلم و ستم فائق آمده و جهان را از عدل پر کرده باشد. صرف دیدن امام معصوم به تنهایی نمی‌تواند مزیت محسوب شود و چه بسیار افرادی بودند که علی‌رغم دیدن امامان به مسیر انحرافی کشیده شده و مانند برخی از افراد کوفه با امام حسین عجلت الله فرجه وارد جنگ و ستیز شدند و چه بسیاری افرادی مانند او ایس قرنی که پیامبر ص را ندید ولی در زمره یاران حقیقی حضرت بود.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام گرفته در دعای عصر غیبت، عناصر فکری، ساختاری، شکلی، در این دعا را می‌توان در عبارات ذیل خلاصه نمود:

۱. عنصر شکلی در دعای عهد از چهار قسمت تشکیل می‌شود:

الف) عنصر محاوره: در دعای عصر غیبت از ابتدا تا انتها گفتگو میان منتظر و حضرت باری تعالی برقرار است و منتظر، درخواست‌های خود را مسئلت می‌کند. بر خلاف سایر ادعیه عصر غیبت از حمد و ثنای الهی شروع نمی‌کند بلکه در آغاز دعا معرفت خداوند را طلب می‌نماید.

ب) عنصر عاطفه: این عنصر در قالب مرحله تحریک عاطفه، مرحله آمادگی، مرحله

هویت، مرحله هیجان و مرحله ارزیابی بیان شده است.

ج) عنصر تصویر: در دعای عصر غیبت تصویر امام عصر علیه السلام و منافقان و کافران در عصر غیبت و ظهور ترسیم می‌گردد.

د) عنصر موسیقی: موسیقی در دعای عصر غیبت دارای دو قسمت می‌باشد در جای که به بحث ظالمان و انتقام حضرت حجت علیه السلام از آنها می‌پردازد ما شاهد تند شدن ضرب آهنگ جملات و القای قوت هستیم و در قسمت دیگر مباحث به معرفی حجت الله در جامعه می‌پردازد ما شاهد به کارگیری جملات کوتاه، و دارای وزن واحد هستیم که به قرار و ثبات منتظر کمک می‌کند.

۲. عنصر ساختاری در دعای عصر غیبت به دو صورت در محور عمودی و افقی مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یک مجموعه واحد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. در بُعد عنصر فکری در دعای عصر غیبت، ابتدا درخواست معرفت خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حجت الله را دارد و لذا اندیشه اصلی ناظر به معرفت و شناخت ولی الله در جامعه است؛ مهم‌ترین مسئله آشنایی با محور هدایت و سعادت انسان، که عدم شناخت و انحراف در شناخت مسیر صحیح حیات منجر به گمراهی در دین و زندگی است.

پس از معرفت خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حجت الله، ثبات یقین و طاعت و بندگی خدا و صبر در راه حق را می‌طلبد؛ سپس در جهت سلامتی یگانه منجی عالم بشریت دست به دعا بلند می‌کند و پس از توجه مردم به امر غیبت، دنیا در دوران ظهور را ترسیم و به نقش اصلاحی حضرت می‌پردازد، در این هنگام تنها راه خلاصی جامعه را دعا برای فرج مولا تصور می‌کند و لذا دست به دعا برمی‌دارد و تعجیل در ظهور را برای نابودی دشمنان خدا و مظاهر کفر مسئلت می‌نماید.

هم‌چنین در دعای عصر غیبت نتیجه عدم شناخت امام، ولایت‌پذیری بیان می‌شود و مبارزه حضرت با سران کفر و دعا برای فرج ترسیم می‌گردد و به طور خاص به برخی از مهم‌ترین شبهاتی که در عصر غیبت ممکن است که مطرح شود، پاسخ می‌دهد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه، دؤم.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، ترجمه: عبدالسلام محمد بن هارون، قم، مکتب الأعلام الإسلامی، اول.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، بی نا، سؤم.
۴. انوشه، حسین (۱۳۷۶ش)، *فرهنگنامه ادبی فارسی*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، اول.
۵. بستانی، محمود (۱۴۱۴ق)، *القواعد البلاغیه فی ضوء منهج الإسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، اول.
۶. ثروتیان، بهروز (۱۳۵۲ش)، *فرهنگ اصطلاحات و تعریفات نفایس الفنون*، بی جا، انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
۷. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۷ش)، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران، ناهید، اول.
۸. راغب إصفهانی، أبوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۱۲ق)، *مفردات الألفاظ القرآن*، ترجمه: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم، اول.
۹. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر، اول.
۱۰. سعدی، مصلح الدین (بی تا)، *غزلیات سعدی*، تصحیح: محمد علی فروغی، تهران، اقبال.
۱۱. سید قطب، محمد (بی تا)، *منهج الفن الإسلام*، بیروت، دارالکتب.
۱۲. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵ش)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران، آگاه، ششم.

۱۳. ضابطی، احمد (۱۳۷۸ش)، *سینما و ساختار تصاویر در شاهنامه*، تهران، کتاب فرا.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتعجد*، بیروت، مؤسسة فقه الشیعه، اول.
۱۶. فیومی، ابوالعباس احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم، دارالهجرة، دوم.
۱۷. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الإسلامية، ششم.
۱۸. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق)، *البلد الامین والدرع الحصین*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *سیری در نهج البلاغه*، تهران، صدرا، سی و ششم.